

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال نوزدهم
شماره ۲۲۸ اسفند ماه ۱۳۹۷ مارس ۲۰۱۹

گردهمائی ضد ایرانی در لهستان؛ تروریسم بین-الملل است

آمریکا برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و به روی کار آوردن رژیمی که نیت وی را در منطقه برآورده کند، از هیچ اقدام غیرقانونی؛ ضد بشری و غیراخلاقی روی گردان نیست. نمونه کودتای ونزوئلا در مقابل ماست. اقدامات آمریکا را می‌توان تا حدودی چنین برشمرد.

۱- تحریم اقتصادی ایران که شامل همه کالاها از جمله آذوقه و دارو و امکانات پزشکی نیز می‌شود برضد مردم ایران.

۲- جلوگیری از سازوکار مالی جهانی موجود و نظارت بر سامانه سوئیفت برای ممانعت از نقل و انتقال مبادلات ارزی از طریق بانکهای خارجی و حتی بانکهای ایرانی در خارج از ایران. یعنی آمریکا مانع می‌شود که ایرانی‌ها پول خود را به ایران منتقل کنند.

۳- تحریرات همسایگان ایران بر ضد ایران از جمله امارات متحده عربی و عربستان سعودی بطور مستقیم و پاکستان و کویت به طور غیر مستقیم نه تنها از طریق اقدامات تروریستی و نظامی بلکه پخش شایعات و دروغ بویژه در مورد جنگ ضد بشری یمن.

۴- نابودی متحدان ایران که می‌توانند در زمان تجاوز امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل به ایران نقش بازدارنده ایفاء کنند، نظیر سوریه، لبنان و فلسطین.

۵- ایجاد پایگاههای نظامی در اطراف ایران برای محاصره نظامی ایران و تهدید تمامیت ... ادامه در صفحه ۲

اروپا سیاست تحریم را با شیوه خود ادامه می‌دهد

امپریالیستهای اروپائی مصممند ایران را سر بدوانند تا با سیاست مهار خود؛ کشور ما را مجبور کنند به تعهدات خویش در "برجام" که دیگر بدون آمریکا مشروعیت و وجود خارجی ندارد، وفادار بماند. رژیم جمهوری اسلامی بعد از خیانتی که در مورد حق مسلم ایران در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای با تسلیم به امپریالیستها انجام داد، نتوانست محاصره اقتصادی ایران را که محور اصلی آن تحریمات آمریکاست درهم بشکند. امپریالیستهای اروپائی نیز با مودبگری به همان راهی می‌روند که آمریکا نشان می‌دهد. البته برای امپریالیستهای اروپائی خوش‌آیند نیست که از منافع آتی و دائمی خویش چشم ببوشند و تلاش خواهند کرد نظام یورو را در مقابل دلار تقویت کرده و سازوکار مالی مستقلی برای مبادلات اروپا با سایر ممالک ایجاد کنند، ولی حاضر نیستند، این تضاد خود با آمریکا را بر سر مسئله ایران متمرکز سازند. برنامه آنها طویل‌مدت‌تر و گسترده‌تر است.

آنها بعد از مدت‌ها که ایران را سرگرم کرده و وعده‌های قلابی به وی داده‌اند کوچگترین گامی برای رفع تحریمها برداشته‌اند. دولت آلمان حتی قراردادهای بانکی خویش با شعب بانکهای ایرانی در آلمان را خدشه‌دار کرده و از خروج پول متعلق به ایران از آلمان جلوگیری می‌کند. فرود هواپیمای ماهان به فرودگاههای آلمان را به بهانه‌های مضحک و غیرقابل اثبات و در واقع بر اساس افتراء و دروغگوئی، از جمله ارسال اسلحه به سوریه ممنوع اعلام کرده و سخنان ترامپ و نتانیاهو را در مورد ایران تکرار می‌کند. فرانسه از خروج شرکت سوخت توتال با نقض قراردادش با ایران حمایت می‌نماید. وضع با سایر ممالک اروپائی نیز بهتر نیست.

حال بعد از مدت‌ها کوه موش زائیده و سازوکاری مالی اختراع شده تا توسط آن بشود با ایران به معاملات تجاری دست زد. متن قرارداد در دست ما نیست تا بتوانیم ماهیت استعماری آن را از ریشه بشکافیم ولی اشاره به ادعاهای تاکنونی و منتشر شده علنی آنها نیز کافی است. بنا بر گزارشات متناقض منتشر شده تا کنون؛ ایران باید موافقت کند که مبالغ دریافتی از فروش نفت خویش به یورو را، به صورت خودکار به یک صندوق مالی در اروپا واریز کند. شرکتهای خصوصی اروپائی به ایران مواد غذایی و داروئی ارسال می‌کنند که جنبه بشردوستانه دارد و هزینه این مبادله تجاری را از صندوق مالی دریافت می‌کنند. در این سازوکار چند بُردار به چشم می‌خورد:

۱- هیچگونه ارز جهانی از جمله یورو به دست ایران نمی‌رسد. ... ادامه در صفحه ۳

کودتای ونزوئلا دسیسه امپریالیسم آمریکا و ایجاد حکومت موازی

"ما با خلق ونزوئلا و برادرمان نیکلاس مادورو در این لحظات تعیین کننده که چنگال امپریالیسم تلاش مجدد می‌کند دموکراسی و حق خودتعیینی سرنوشت ملل آمریکای لاتین را نابود کند، همدردی می‌کنیم. ما هرگز حیاط خلوت آمریکا نمی‌شویم".

رئیس جمهور بلیوی اوو مورالس Evo Morales

روی کار آمدن چاوز در ونزوئلا و تبلیغ انقلاب بولیواری ونزوئلا؛ "سوسیالیسم قرن بیستم ویکم"؛ مانند خواری بود که به چشم امپریالیسم آمریکا خلید. آنها چندین بار در ونزوئلا دست به کودتا زدند که با شکست مفتضحانه روبرو شد و متحدان آمریکا در جهان در باره‌اش سکوت کردند. حکومت ونزوئلا تنها حکومتی در تاریخ سیاسی آمریکای لاتین است که از چندین انتخابات دموکراتیک و همه‌پرسی مردمی سربلند بیرون آمده است. امروز که شکست ضد انقلاب در ونزوئلا روشن شده است، امپریالیسم آمریکا مجدداً با یاری دلچکی که گویا بر اساس گزارش مطبوعات "دموکراتیک" خوب می‌تواند "زالسا" برقصد، خود را انتخاب نشده و غیر دموکراتیک رئیس جمهور ونزوئلا خوانده و دست به یک کودتای نظامی تدارک دیده شده زده است. تنها چند دقیقه بعد از کودتا در ونزوئلا؛ دولت آمریکا به سرعت برق در یک بیانیه رسمی که از قبل بر اساس تدارک برنامه کودتا تنظیم شده بوده است، حکومت "خوان گوایدو" Juan Guaidó را به رسمیت شناخت. پرزیدنت ترامپ در پیامی بیان کرد: «شهروندان ونزوئلا برای مدتی طولانی زیر دست رژیم نامشروع مادورو ستم دیده‌اند. امروز من به طور رسمی خوان گوایدو، رئیس پارلمان را به عنوان رئیس جمهوری موقت ونزوئلا به رسمیت می‌شناسم». ترامپ خودش را خدای جهان می‌داند که حق تصمیم‌گیری در مورد سرنوشت ملتها را در دست گرفته است. وی تصمیم می‌گیرد چه کسی باید رئیس جمهور ونزوئلا باشد. ... ادامه در صفحه ۴

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران به پیوندید

گردهمایی ضد ایرانی...

ارضی و حق حاکمیت ملی ایران و تلاش برای تجزیه ایران.

۶- ضبط و مصادره اموال ایران در آمریکا که متعلق به کشور و مردم ایران است و نه رژیم جمهوری اسلامی.

۷- فشار به متحدان اروپایی برای ضبط اموال ایران و تبعیت از زورگویی آمریکا.

۸- جلوگیری از پرواز هواپیماهای ایران و عدم صدور روادید به اتباع ایرانی و یا با تاخیر بیش از ۵ ماه برای آنها.

۹- تقویت تروریسم در منطقه و ایران و حمایت از گروه داعش و گروه‌های تروریستی ایران در خوزستان و بلوچستان و پناه دادن به آنها در اروپا.

۱۰- تقویت تجزیه‌طلبان ناسیونال شونیست در ایران از طریق دخالت مستقیم اسرائیل و عربستان سعودی برای کمک مالی به آنها تا برای تجزیه ایران آماده شوند.

۱۱- تقویت اپوزیسیون خودفروخته و نوکرسفت نظیر سلطنت‌طلبان، "مجاهدین خلق"، احزاب کمونیست کارگری هوادار منصور حکمت در تمام سایه روشنی‌های آنها و جبهه اپوزیسیون "تریبونال لندن" که یار و یاور عربستان سعودی بودند و هستند.

۱۲- تبلیغات سیاسی و ایدئولوژیک نظیر اینکه در صورت تجاوز به ایران باید یک جبهه سومی میان اپوزیسیون ایران تشکیل شود که خواهان سرنگونی رژیم ایران باشد و به آمریکا برای این سرنگونی به عنوان ستون پنجم کمک کند.

۱۳- تقویت این نظریات ارتجاعی که مصادره اموال ایران و غارت آن به علت ماهیت ارتجاعی جمهوری اسلامی حلال است.

۱۴- تقویت این نظریه ارتجاعی که گویا با حضور آمریکا در ایران حقوق بشر تحقق یافته؛ دموکراسی برقرار شده و ایرانیان خودشان می‌توانند بر سرنوش خودشان حاکم باشند و یا حتی امپریالیسم آمریکا با استقرار سوسیالیسم و حکومت "شورائی" در ایران موافق است. در یک کلام امپریالیسم خونخوار آمریکا ناجی بشریت و بهترین جایگزین جمهوری اسلامی است.

۱۵- تقویت تسلیحاتی اسرائیل؛ عربستان سعودی و امارات متحده عربی علیه ایران.

۱۶- دامن زدن به نارضائی گسترده از طریق رسانه‌های گروهی امپریالیستی در خارج از ایران از "چپ" و راست؛ با توجه به فساد دستگاه جمهوری اسلامی و تحریک و دامن زدن به انقلاب مخملی تا عوامل صددرصد آمریکائی و نوکرسفت در ایران بر سر کار آیند و کشور ایران را دوستی به آمریکا و اسرائیل تقدیم کنند. و حکومتی نظیر حکومت شاه؛ پینوشه و یا محمد بن سلمان سر کار بیاورند.

۱۷- مخالفت با هرگونه کسب دانش توسط ایرانی‌ها؛ چه از طریق قطع ارز دانشجویان ایرانی در خارج؛ چه از طریق ممانعت از دادن پذیرش به دانشجویان ایرانی؛ چه در اثر

توفان درتویتر
Toufanhezbkar
حزب کار ایران (توفان)
درفیس بوک

Toufan HezbeKar
facebook

Name:
Toufan HezbeKar
Email:
toufan@toufan.org
Status:
None

خرابکاری در پژوهش‌های علمی ایران نظیر استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای در ایران و کسب فناوری مدرن در ساختن و پرتاب موشک‌های میانبرد و دفاعی و موشک‌های حمل ماهواره به فضا؛ ترور دانشمندان ایرانی و سایر خرابکاری‌ها در این زمینه با ایجاد همصدائی با اپوزیسیون خودفروخته و نوکرسفت ایران.

می‌شود این سیاهه را افزایش داد و دید که امپریالیسم در عرصه اقتصادی، سیاسی؛ نظامی، ایدئولوژیک و جاسوسی بر ضد ایران بشدت فعال بوده و این اقدامات را بعد از انقلاب بهمن ادامه داده و در آستانه ۴۰ سالگی سرنگونی شاه و قطع دست امپریالیسم آمریکا از

ایران در پی برپائی توطئه جدید است. برای روشن شدن ماهیت اپوزیسیون خودفروخته که تنها راه دفاع از سیاست‌های راهبردی امپریالیسم و صهیونیسم را سنگر گرفتن در پشت جنایات؛ تبهکاری و فساد جمهوری اسلامی یافته است، باید به روشنی گفت: میهن ما ایران؛ جمهوری اسلامی نیست. ایران بیش از دوهزار سال قدمت تاریخی داشته و رژیم‌های فاسد و مصلح در این سرزمین بر سر کار آمده و رفته‌اند. ایران به عنوان یک کشور مستقل و دارای حقوق ثبت شده در سازمان ملل از این رویدادها سربلند بیرون آمده از حق و حقوقی برخوردار است که همه باید به آن احترام گذارده و از نقض آن خودداری کنند. به بهانه ارتجاعی بودن یک رژیم نمی‌شود اموال مردم یک کشور را ضبط کرد و بالا کشید و نمی‌شود راهزنان جهانی را؛ در نقض همه ضوابط بین‌المللی با الهام از کینه واقعی ضدژیمی و یا "کینه ضدژیمی" محق جلوه داد. اپوزیسیون خودفروخته ایران که خودش را برای همدستی با امپریالیسم در پشت این کمک‌های ایدئولوژیک اطافهای فکری امپریالیسم و صهیونیسم مخفی می‌کند، هدش برقراری دموکراسی و آزادی و یا تحقق حقوق بشر در ایران نیست. هدف آنها حراج ایران است تا این واماندگان بتوانند حقوق بازنشستگی خود را از سازمان‌های جاسوسی بگیرند. به این جهت مسئله خواست سرنگونی آنها به دست

امپریالیسم و صهیونیسم فاقد یک مضمون انقلابی؛ دمکراتیک و میهنپرستانه است. آنها با خواست سرنگونی خویش در کنار نتانیاهو و ترامپ قرار دارند و نه در کنار خلق‌های سرنگونی‌خواه ایران که آهنگ آن دارند انقلاب شکوهمند بهمین را از تعمیق بیشتری برخوردار کرده و سوءاستفاده‌های از آن را خنثی کنند. ایران نمی‌تواند به عقب‌برگردد فقط باید به جلو برود و انقلاب بهمین را با انقلابات بهتری جایگزین کند. مردم ایران از تلاش باز نمی‌مانند، ولی گماشتگی اجانب را نمی‌پذیرند. برای مردم ایران مضمون سرنگونی رژیم با مضمون سرنگونی نتانیاهوئی اپوزیسیون خودفروخته ایران فرق دارد.

هم اکنون یک گروه اقدام در لهستان با ابتکار آمریکا علیه ایران علم کرده‌اند. آمریکا از کشورهای مختلف دعوت می‌کند در این اجلاس بر ضد ایران و سرنگونی این رژیم شرکت کنند. تصورش را بکنید که این اقدام آمریکا برضد منشور سازمان ملل متحد و راهزنانه و غیرقانونی است و برضد یک عضو رسمی سازمان ملل؛ آشکارا به توطئه فرا می‌خواند. آمریکا می‌خواهد با لشگرکشی و جمع‌آوری مزدور؛ نشستی در مقابل سازمان ملل متحد به-وجود آورد که تنها نیات آمریکا را مورد تائید قرار دهد. این روش یک قلدری آشکار و سیاست مافیائی بین‌المللی است.

وزیر امور خارجه آمریکا، در بدو امر اظهار داشت: "...کار این گروه بازبینی و نظارت بر اجرای همه سیاست‌های آمریکا در ارتباط با ایران خواهد بود."

گروه اقدام به رهبری شخصی به نام "برایان هوک" آغاز به کار کرده است. وظیفه این گردهمایی ضد ایرانی و ضد منشور سازمان ملل متحد؛ انطور که گفته‌اند، چنین است: "مزوی کردن ایران؛ و تصویب برنامه‌هایی برای تسریع تحریم‌های اقتصادی". این آقا؛ جمهوری اسلامی را به خشونت علیه آمریکا و متحدانش متهم کرد و گفت: "مسئله بسیار فراگیر است و [این گروه] مسایل مربوط به ایران اعم از تروریسم؛ تامین مالی تروریسم؛ خشونت در دریا؛ اشاعه موشکی؛ نقض حقوق بشر و مسایل متعدد دیگر در باره ایران را پوشش می‌دهد". وی اضافه کرد: "راهبرد جدید دولت ترامپ اتخاذ رویکرد [جامع] در قبال ایران برای پرداختن به تمامی [تهدیدها] از جانب این کشور علیه منافع آمریکا و متحدانش است. و کارهای این گروه به هماهنگ‌سازی کارهایی که لازم است در سراسر قوه مجریه در باره ایران انجام شوند، کمک خواهد کرد."

برایان هوک نماینده ویژه وزارت خارجه آمریکا در امور ایران همچنین در مصاحبه ای اختصاصی با شبکه العربیه ضمن تاکید بر اینکه «ایران بزرگترین حامی تروریسم در جهان است»، گفت بانک‌های بین‌المللی از معامله با تهران می‌ترسند.

به نوشته العربیه او در مورد قصد آمریکا برای

تسریع به صفر ... ادامه در صفحه ۳

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، بدست مردم ایران

گردهمانی ضد ایرانی...

رساندن صادرات نفت ایران و تضمین ثبات بازار نفت صحبت کرد.

هوک پیش‌تر در روز دوشنبه هشدار داد که تجارت با جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به معنای تامین مالی تروریسم باشد.

وزارت خارجه ایالات متحده در پیامی در توئیتر به نقل از آقای هوک نوشت: «وقتی شرکت‌ها با رژیم ایران تجارت می‌کنند، احتمال دارد تروریسم را، شاید در خاک خود، تامین مالی کنند.»

در ادامه این پیام آمده است: «هدف تحریم‌های ما محروم کردن رژیم از توانایی صدور تروریسم است. ما در مورد دور زدن تحریم‌ها هوشیاریم و منعی برای توقف آن نخواهیم داشت.»

دولت آمریکا اربیهشت ماه سال ۱۳۹۷ اعلام کرد که ایران با ادامه برنامه موشکی و رفتار بی‌ثبات کننده خود در منطقه روح برجام را نقض می‌کند و از این رو واشنگتن از آن خارج می‌شود.

وزیر خارجه ایالات متحده با اشاره به نشست اقدام در لهستان گفت: «ما ائتلافی هماهنگ و پویا برای مقابله با تهدید جمهوری اسلامی و حمایت از آمل و آرزوهای مردم ایران تشکیل داده‌ایم.»

مایک پمپئو پیش‌تر و در جریان سفر اخیر خود به ۸ کشور خاورمیانه و شمال آفریقا، خبر داد که کنفرانسی با هدف مقابله با تهدیدهای جمهوری اسلامی در لهستان تشکیل خواهد شد. این نشست قرار است روزهای ۱۳ و ۱۴ فوریه (۲۴ و ۲۵ بهمن) در ورشو برگزار شود. سیاستمداران اتحادیه اروپا که در مقابل عمل انجام شده قرار گرفته‌اند پرسش‌هایی پیرامون هدف اصلی کنفرانس ۱۳ و ۱۴ فوریه ۲۰۱۹ را مطرح کردند، و گفتند با شتاب برگزار می‌شود و اشاره کردند که به نظر نمی‌آید ایران جزو مدعوین باشد. یک مقام اتحادیه اروپا گفت فدریکا موگرینی رئیس سیاست خارجی بلوک به علت مشغله‌های دیگر در کنفرانس حضور نخواهد داشت.

امپریالیسم آمریکا نشستی از دشمنان ایران به رهبری اسرائیل و عربستان سعودی در لهستان بدون شرکت ایران تشکیل می‌دهد تا برای سرنوشت مردم ایران تصمیم بگیرند. روشن است که این تصمیمات راهزنانه؛ تبهکارانه؛ غیرقانونی و برای برهم زدن نظم کنونی جهان و تثبیت قلدری امپریالیسم آمریکا برپا شده است. اپوزیسیون خودفروخته ایران در این مجمع حتما شرکت دارد و به عنوان شاهد برای ترامپ خوش‌رقصی خواهد کرد. آیا می‌شود از این اقدامات تروریستی در منطقه و در جهان حمایت کرد؟ برپائی نشست اقدام در لهستان پاسخی به سیاست شکست خورده صدور داعش به سوریه و ایران است. ولی خلق ایران علیرغم همه نفرتی که از مافیای حاکم در ایران دارد حاضر نیست کشورش را به آمریکا و اسرائیل بفروشد و آنرا طعمه داعش گردانده و از تمامیت ارضی

و حق حاکمیت ملی ایران صرفنظر کند. حزب کار ایران (توفان) این اقدام امپریالیسم آمریکا را که جهان را به جنگ قبیله‌ای و به پرتگاه جنگ جهانی می‌کشاند تروریسم آشکار می‌داند که صلح جهان را تهدید می‌کند. برای نابودی تروریسم و جنگ؛ برای نابودی فقر و فلاکت؛ برای نابودی فساد و دزدی و ممانعت از روی-کار آمدن رژیم‌های نظیر جمهوری اسلامی؛ وهابیه‌های عربستان سعودی؛ بولسونارو در برزیل باید مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم و افشای توطئه‌ها و دسیسه‌های آنان را تشدید کرد.

اروپا سیاست تحریم را ...

۲- تصمیم نهائی بر سر اینکه چه نوع کالاهائی به ایران ارسال شود با امپریالیست‌های اروپائی است و نه ایران.

۳- نوع کالاها تنها کالاهای مصرفی و نه صنعتی و یا نیمه صنعتی است.

۴- ایران توانائی بهبود صنایع فرسوده و یا صنایع زیربنائی خویش را ندارد و نمی‌تواند دارای رشد اقتصادی در آینده باشد.

۵- ایران نفتش را می‌دهد و نان می‌گیرد و این همان سیاست استعماری است که در مورد عراق اجراء کردند. سیاست نفت در مقابل غذا.

۶- مقدار فروش نفت ایران به شرکت‌های خصوصی اروپائی نیز معلوم نیست و براساس نیاز شرکت‌های خصوصی اروپائی که طبیعتا هیچگونه تعهدی از قبل متقبل نمی‌شوند تعیین می‌شود.

۷- اروپا می‌تواند از ورود کالاهای دو منظوره به ایران جلوگیری کند.

۸- فروشندگان مواد غذایی و یا داروئی به ایران سه کشور آلمان؛ فرانسه و بریتانیا هستند.

این نوع مبارزه با تحریم؛ در واقع ادامه همان تحریم ترامپ و مهار اقتصاد ایران و غذای مردم کشور ما می‌باشد. امپریالیسم اروپا در همدستی با آمریکا وظیفه مدیریت تحریم را به دست خود گرفته است و دول اروپائی هیچگونه تعهدی در مورد خرید نفت از جانب شرکت‌های خصوصی و یا فروش مواد غذایی بعهده نمی‌گیرند. در اسناد خبرنگاری‌های اروپائی از جمله یورو نیوز می‌آید:

"اجرائی شدن این ساز و کار به ایران امکان خواهد داد تا برغم تحریم‌های آمریکا بواسطه صادرات اروپائی کسب درآمد کند.

خبرگزاری فرانسه در این گزارش همچنین به نقل از منابع اروپائی اعلام کرد که در بیانیه نهائی اتحادیه اروپا نسبت به برنامه موشکی دور برد ایران و نیز فعالیت‌های برون مرزی تهران در منطقه به خصوص داشتن نقش محوری در مناقشات سوریه و یمن ابراز نگرانی کرده است.

گفته می‌شود در بخش دیگری از این بیانیه همچنین تدارک و انجام حملات بر ضد

اپوزیسیون ایران در اروپا از سوی بروکسل محکوم شده است."

تمام این محکومیتها و درخواست‌ها از ایران؛ ابزاری برای فشار به ایران و سرباز زدن از دور زدن تحریمها و اجرائی تعهدات اروپائی‌ها می‌باشد. آنها موارد جدیدی را که ربطی به احترام به مفاد توافقنامه "برجام" ندارد، شرط انجام مبادلات تجاری؛ ارزی و مالی با ایران قرار داده‌اند. دولت دانمارک که مسئله تروریسم جمهوری اسلامی را مطرح ساخته است، خودش تروریست‌های "الاحواز" را که بیش از ۲۰ نفر هموطنان ما را به قتل رسانده‌اند، پناه داده و از آنها حمایت می‌کند.

در منابع بی بی سی می‌خوانیم:

"دیپلمات‌های اروپائی به روزنامه فایننشال تایمز گفته‌اند که هیچ کشوری از اتحادیه اروپا متمایل نیست میزبان دفتر کانال یا سازوکار این اتحادیه برای تبادلات مالی با ایران با هدف دور زدن تحریم‌های آمریکا باشد.

رسانه‌های اروپائی پیشتر به نقل از دیپلمات‌ها گفته بودند که این کانال یا سازوکار مالی به **طور سمبولیک و نمادین** پیش از اجرائی شدن تحریم‌های نفتی آمریکا علیه ایران، افتتاح می‌شود اما عملیاتی شدن آن احتمالا تا اوایل زمستان جاری طول می‌کشد."

آمریکائی‌ها در مخالفت با این سازوکار مالی اروپائی‌ها اظهار داشتند که در صورت ایجاد اختلال در روند تحریم‌های آمریکا از جانب اروپا، این کشور تحریم‌های ثانویه یکپارچه‌ای را اعمال خواهد کرد و افراد و موسسات خاطی را مسئول خواهد شمرد. کاخ سفید بارها به شرکت‌های اروپائی که در ایران مشغول به کار هستند، هشدار داده است که در صورت دور زدن تحریم‌های آمریکا «به شدت تنبیه و مجازات» خواهند شد. تمام این کارزار گسترده ضد ایرانی؛ در یک گُر دستجمعی آمریکا؛ اروپا؛ اسرائیل و عربستان سعودی انجام می‌پذیرد تا از زیر بار تعهداتشان فرار کنند و سیاست خارجی آمریکا و اسرائیل را به ایران تحمیل نمایند.

خبرگزاری فرانسه که زبان سیاسی دولت فرانسه است با استناد به منابع اروپائی که سند نهائی اتحادیه اروپا را تنظیم کرده‌اند، با اشاره به مناقشات منطقه در سوریه و یمن و برنامه موشکی ایران و ذکر این موارد در بیانیه نهائی اتحادیه اروپا افزوده است که با ادامه گنجانده شدن این بندها به سند نهائی اتحادیه اروپا؛ یک پیام قوی برای تهران ارسال شده است. مفهوم این سخن در واقع وابسته کردن اجرائی همه این موارد نامبرده به تحقق خواست آمریکا؛ اسرائیل و عربستان سعودی در مورد سوریه؛ یمن و پژوهش‌های موشکی ایران می‌باشد. این منبع اضافه می‌کند این پروژه ابتداء قرار بود به ایران امکان دهد تا نفت خود را در ازای خرید کالا و خدمات به اروپا بفروشد، اما اروپائی‌ها عملا دیگر خریدار نفت ایران نخواهند بود.

اروپائی‌ها مدت‌هاست... ادامه در صفحه ۴

امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

اروپا سیاست تحریم را ...

که در پی آن هستند نیازهای سوخت خود را از طریق لیبی و افزایش تولید نفت عربستان سعودی جبران کنند و وابستگی خویش به نفت ایران بیزند. در یک کلام سازوکار مالی اروپایی‌ها که غذا را در مقابل نفت می‌دهند، بیکباره فاقد هرگونه تضمین مالی است، زیرا اگر اروپا نفت ایران را نخرد- (دو میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه مقدار نفت صادراتی ایران به کشورهای اروپایی است)- آن صندوق موهومی برای تسهیل پرداختهای ایران؛ عملاً خالی خواهد بود و به مصداق اینکه "هر چقدر پول دهی آش می‌خوری" آذوقه‌ای به ایران نمی‌رسد. نه دولتهای اروپایی و نه شرکتهای خصوصی آن توان مقابله با امپریالیسم آمریکا را ندارند. خیرگزاری اسرائیلی تایمز اسرائیل گزارش داد:

"برایان هوک، سرپرست گروه جدید موسوم به اقدام ایران؛ در وزارت خارجه آمریکا که نماینده ویژه وزارت خارجه آمریکا در امور ایران است، ادعای مقام‌های جمهوری اسلامی مبنی بر این که دارو و تجهیزات پزشکی شامل تحریم‌های آمریکا علیه ایران است را رد کرد."

آقای برایان هوک دروغگو در یک خط پائین‌تر به گزارش صدای آمریکا، مدعی شد: "دلیل مشکلات بر سر راه ارسال محموله‌های بشردوستانه به ایران... تبعیت نکردن بانک‌های ایران از قوانین بین‌المللی و حضور شرکت‌های صوری حکومتی" می‌باشد. به زبان قابل فهم؛ این ادعا که "اقدام خوراکی، دارویی، و تجهیزات پزشکی از تحریم‌های ما معاف هستند" دروغی بیش نیست زیرا به نظر آقای هوک:

"اما بزرگترین مشکل ما برای اعمال این معافیت‌ها، تاسیس شرکت‌های صوری توسط رژیم ایران است؛ شرکت‌هایی که به ظاهر سازمان‌های خیریه، اما در واقع متعلق به سپاه پاسداران، هستند."

و به این ترتیب هیچکدام از کالاها برای ارسال به ایران از معافیت برخوردار نیستند. بشردوستانه امپریالیسم برای تبلیغات اپوزیسیون خودفروخته و آمریکایی-اسرائیلی ایران مصرف دارد.

کودتای ونزویلا دسیسه...

حال کودتا شکست خورده و این حضرت آقای دلچک؛ بر روی دست آمریکا باقی مانده است. اکنون آمریکا تلاش می‌کند تا می‌تواند با خرابکاری؛ توزیع دروغ و تهدید نظامی؛ وعده پول دادن به خودفروختگان؛ متزلزل‌ها و توسل به جنگ روانی؛ آب رفته را به جوی بازگرداند. هم اکنون گسیل اسلحه غیرقانونی سازمان سیا به ونزویلا آغاز شده است که دولت قانونی ونزویلا آنها را توقیف کرده است.

همزمان با کودتای شکست خورده آمریکائی در ونزویلا؛ "دانشنامه ویکی پدیا" در تارنمای خود نام "خوان گوایدو" را به عنوان "رئیس جمهور" قانونی ونزویلا نصب کرد که بعداً با سرعت دوباره ناچار شد از نیکلاس مادور به عنوان رئیس جمهور واقعی ونزویلا نام ببرد و این خطای کودتای زودرس را تصحیح کند. ببینید تا کجا و به چه "دقت" تدارک کودتا را دیده بودند. در تارنمای فارسی این "دانشنامه" به جای ذکر نام نیکلاس مادورو Nicolas Maduro نوشته شده که رئیس جمهور در ونزویلا "مورد مناقشه" است، یعنی فعلاً رئیس جمهوری در ونزویلا وجود ندارد. متن یادداشت در "ویکی پدیا" وابسته می‌شود به اینکه: سرانجام در دنیای بی‌قانونی و جنگل، زور کی به دیگری می‌چربد. دانشنامه‌های امپریالیستی وظیفه دیگری ندارند جز اینکه به تبلیغ جعلیات در تاریخ مبارزه طبقاتی بپردازند و از دموکراسی و آزادی و حق آزادی بیان سخن بگویند. بعد از شکست کودتا و نامیدی آمریکا از اینکه ارتش ونزویلا به کودتاچیان بپیوندند، بیکباره لحن امپریالیستها عوض شد و ارتش ونزویلا "مشتی دزد و فاسد" از کار در آمدند که تنها برای حفظ "امتيازات" خود از نیکلاس مادورو به حمایت برخاسته‌اند!! دروغگوی فراموشکار اشاره نمی‌کند که آمریکا و نوکرانش حاضرند برای موفقیت کودتا چند برابر "امتيازات" مادورو به این نظامیان امتیاز دهند، ولی با وجود این؛ آنها حاضر نشده‌اند خفت خیانت و خودفروشی را بپذیرند. آنها دستاوردهای انقلاب ونزویلا را فروشی نمی‌دانند. وزیر دفاع ونزویلا ولادیمیر پادرینو Vladimir Padrino اظهار داشت: "نیروهای ارتشی هرگز رئیس جمهوری را نمی‌پذیرند که از جانب قدرتهای تاریک بر سر کار بیاید و یا خودش؛ خودش را از مشروعیت قانونی مبرا کند". رئیس جمهور واقعی ونزویلا بعد از کودتای شکست خورده؛ روابط دیپلماتیک خود را با آمریکا که با صراحت و بی‌شرمی در امور داخلی ونزویلا دخالت می‌کرد، قطع نمود و از کادر دیپلماتیک سفارت آمریکا خواست که کشور ونزویلا را در عرض ۷۲ ساعت ترک کنند. ترامپ با گردن کلفتی مدعی شد که ما آقای نیکلاس مادورو "دیکتاتور" ونزویلا را به عنوان رئیس جمهور به رسمیت نمی‌شناسیم و رئیس جمهور ونزویلا "خوان گوایدو" است و لذا خاک کشور ونزویلا را ترک نمی‌کنیم.

با شکست کودتای آمریکائی؛ مواضع کودتاگران روز به روز ضعیفتر شد. حتی تصاویر جعلی در مورد تظاهرات مخالفان نیکلاس مادورو و یا فرار ارتشیان و یا حتی تصویر یک ژنرال بازنشسته رژیم سابق؛ نتوانستند برای این جوانک مدعی ریاست جمهوری که از ۵ ژانویه امسال به ریاست مجلس انتخاب شده است، اعتباری کسب کنند. زمان به ضرر آنها می‌گردد، چون ماهیت دروغ و نیرنگ امپریالیستی برای مردم روشنتر می‌شود. ترامپ نه تنها در آمریکای لاتین و در سازمان کشورهای قاره

آمریکا برای تائید ریاست جمهوری جعلی "خوان گوایدو" (۱۶ به ۱۸) باخت و در ضمن نیز نتوانست ونزویلا را با ۲۴ رای لازم از این مجمع اخراج کند؛ حتی در اروپا نیز نتوانست اکثریت مورد نظر خود را تامین نماید و تنها قدرتهای استعماری نظیر آلمان؛ فرانسه و بریتانیا قد علم کردند تا با فشار به سایر کشورها؛ اتحادیه اروپا را به موضعگیری واحد بر ضد دولت قانونی ونزویلا وادارند، که البته با شکست روبرو شد. تمام نمایندگان استعمار نوین در جهان از این کودتای شکست خورده حمایت می‌کنند و تبلیغات امپریالیستی گوش فلک را کر می‌کند. جنگ روانی در عرصه شایعه-پراکنی و دروغ‌پردازی ابعاد جدیدی یافته است. تلویزیون تبلیغاتی کلمبیا در همسایگی ونزویلا؛ ویدیویی را نشان می‌دهد که بخشی از ارتش به "خوان گوایدو" پیوسته و سایرین را فرا می‌خوانند از "رئیس جمهور" جدید حمایت کنند. آقای ترامپ به صورت غیرقانونی نفت ونزویلا را مصادره کرده و پول حاصل از فروش نفت را در اختیار "رئیس جمهور" بدون کابینه و بدون بودجه‌ی خودی قرار می‌دهد. آقای مایک پمپئو وزیر امور خارجه آمریکا که در حقیقت وزیر امور داخله همه کشورهای جهان شده است، اعلام کرد آمریکا بیست میلیون دلار "کمک‌های انسانی و ستانه" در اختیار مردم ونزویلا قرار می‌دهد که منظورش مخارج کودتاست تا رژیم قانونی ونزویلا را سرنگون کنند. آمریکا با به رسمیت شناختن یک مقام غیرمشروع؛ و غیرمنتخب؛ تمام اموال مردم ونزویلا موجود در بانک‌های آمریکا را مصادره کرده و در اختیار این کودتاچی قرار می‌دهد. آمریکا و انگلیس مانع شده‌اند تا حکومت قانونی ونزویلا به ذخایر طلای خود که در بانک انگلستان است، دست پیدا کند. آنها به محاصره اقتصادی و سیاسی ونزویلا دست زده از ورود آذوقه و دارو به این کشور جلوگیری کرده ولی ماهواره و ایستگاه‌های تلویزیونی در اختیار نوکرشان قرار می‌دهند که به پخش اکاذیب بپردازد. حال که این دسیسه‌ها نیز بی‌فایده بوده است تصمیم گرفته‌اند به تجاوز نظامی دست بزنند. حداقل ۵ هزار سرباز آمریکائی را وارد خاک کلمبیا کرده‌اند تا آنها "انتخابات دموکراتیک" ریاست جمهوری در ونزویلا برگزار کنند، تا آقای "خوان گوایدو" مشروعیت قانونی پیدا نماید. حتی سخن از این می‌رود که با ثروت مصادره شده مردم ونزویلا توسط ترامپ در آمریکا یک ارتش مزدور برای آقای "خوان گوایدو" ایجاد کنند تا به جنگ داخلی دست بزنند. ادعای آقای ترامپ و نوکرش آقای "خوان گوایدو" در ونزویلا که گویا ایشان قانونا رئیس جمهور است، کذب محض و تبلیغات ضدقانونی و ضد قانون اساسی ونزویلا است. مجمع ملی و عالی قانون اساسی ونزویلا که یکی از ارگانهای تصمیمگیری در کنار پارلمان و مقام ریاست جمهوری است، اعلام کرد که تصمیمات پارلمان ونزویلا از آنجائیکه تصمیمات گذشته ... ادامه در صفحه ۵

با تسلط رویونیسم بر حزب طبقه کارگر ماهیت پرولتاری حزب تغییر می‌کند

کودتای ونزوئلا دسیسه...

را پایمال کرده است، مشروعیت قانونی خویش را از دست داده است. این مجمع اشاره کرد که این عدم مشروعیت شامل ۴ مصوبه مجلس در ۵ ژانویه ۲۰۱۹ نیز می‌شود که مقام ریاست جمهوری مادورو را «غصبی» اعلام کرده و تحت عنوان «کمکهای انساندوستانه» طالب تجاوز به ونزوئلا از جانب قدرتهای خارجی شده است.

رویدادهای ونزوئلا نشان می‌دهد که امپریالیسم آمریکا که نقشه نخستش با شکست روبرو شده است و با نقشه ثانوی به میدان آمده و قصد دارد با ایجاد یک حکومت موازی در کنار حکومت قانونی ونزوئلا به تجاوز آشکارش به حقوق بین‌الملل ادامه دهد. همین روش را آمریکائی‌ها در یمن به کار گرفته‌اند و از رئیس جمهور فراری یمن که دست نشانده عربستان سعودی بوده و برکنار شده است به عنوان حکومت موازی دفاع می‌کنند. در سوریه نیز قصد داشتند با اختراع «ارتش آزاد سوریه» و ایجاد منطقه آزاد در شمال سوریه و در مرز ترکیه همدستان داعش را به عنوان «سوریه آزاد» به رسمیت شناخته و به آنها پول و اسلحه برسانند. آنها با این روش در اوکراین پیروز شدند و حالا همین روش را امپریالیسم آمریکا در ونزوئلا در پیش گرفته است و می‌خواهد حیاط خلوط خود را از حکومتی «نامطلوب» پاک کند.

مبارزه خلق ونزوئلا برای آزادی و دموکراسی علیرغم همه دسیسه‌ها ادامه خواهد یافت. بازنده واقعی نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی هستند. حزب کار ایران (توفان) از این مبارزات حمایت کرده و کودتای آمریکائی؛ محاصره اقتصادی و تجاوز نظامی به ونزوئلا را محکوم می‌کند.

چرا ترامپ بن‌سلمان را...

تجارت انبوهی با آنها دارم». «من فکر می‌کنم که آنها عالی هستند، فوق‌العاده‌اند، آپارتمان‌هایم را می‌خرند، باعث ثروتمند شدنم می‌شوند.» «من از قبیل عربستان سعودی خیلی پول درآورده‌ام». «...عربستان سعودی؟ من عربستان سعودی را دوست دارم، آنها خیلی خوب‌اند، من از آنها خیلی پول درآوردم، آنها همه چیز از من می‌خرند.» «همه نوع اسباب بازی از ترامپ می‌خرند.» «آنها یک میلیون دلار و صدها میلیون دلار به من می‌دهند.» «...عربستان سعودی؟ من با آنها خیلی دوستم.» «آنها از من آپارتمان می‌خرند، آنها ۴۰ میلیون دلار، ۵۰ میلیون دلار خرج می‌کنند، آیا نباید دوستشان داشته باشم؟ من خیلی دوستشان دارم!»

این بیانات کسی است که قبلاً در کمال وقاحت «رُک» گفته بود که «ابتداً با عربستان سعودی تجارتی ندارد.» جای تعجب هم ندارد، زیرا وی در دروغ‌گویی شهره آفاق است. واشنگتن پست به مناسبت هفتصدمین روز ریاست جمهوری ترامپ، پنجشنبه ۱۳ دسامبر بیلان دروغ‌گویی‌های وی را منتشر کرد. ترامپ طی

این مدت ۷۵۴۶ بار، یا دروغ گفته و یا نظرات گمراه کننده ارائه کرده است. منحنی دروغ‌های ترامپ به ویژه قبل از انتخابات میان‌دوره‌ای، شدیداً سیر صعودی پیمود. به قسمی که او قبل از انتخابات مذکور تنها در پنج‌نوامبر ۱۳۹۶ بار دروغ گفت! به بیان دیگر - حتی اگر ساعات استراحت شبانه را هم کسر کنیم - او هر ۱۰ دقیقه یک دروغ گفته است!

و اما به‌بینیم این «دوستان» ترامپ که او خیلی «دوستشان دارد» چگونه دوستانی هستند.

روبرت اشتاین در فرستنده DIR تحت عنوان «Die rote Pille»، «حَب سرخ» به تفصیل «خصایل برجسته این «دوستان»، دیرینه ترامپ و علل مناسبات نزدیک و حسنه سعودی‌ها با غرب، بویژه با آمریکا را و آشکارفته است:

یک روز جمعه خبرنگار بخت برگشته‌ای به نام خاشقجی به کنسولگری کشورش؛ عربستان سعودی در شهر استانبول می‌رود که مدرک لازم جهت ازدواج با نامزدش را دریافت کند. در همان آخر هفته یک هواپیمای خصوصی محمد بن‌سلمان، حاکم بلامنازع و به شدت محافظه‌کار عربستان سعودی در فرودگاه استانبول به زمین می‌نشیند. سرنشینان این هواپیما عبارت بودند از: یک بادیگارد بن‌سلمان، یک مأمور ارشد اطلاعاتی، یک متخصص پاتولوژی و یک نفر از پزشکی قانونی (که شغلش را آنچنان جدی گرفته بود که با یک آره مخصوص استخوان‌بری در چمدان) وارد فرودگاه شدند. روز دوشنبه قبل از اینکه خاشقجی به کنسولگری کشورش برود، تیم مذکور در آنجا حضور داشت. آنچه که از آن روز به بعد به تدریج علنی گشت، حکایت از یکی از هولناک‌ترین جنایاتی دارد که تاکنون در عرصه سازمان‌های اطلاعاتی جهان رُخ داده است.

دو هفته اول مدام ادعا می‌شد که خاشقجی کنسولگری را ترک کرده است. اما در ویدیوی مخفی دولت ترکیه خلاف این ادعا ثابت می‌گردد. سپس گفتند که خاشقجی در حین بازجویی با یک گروه ۱۵ نفره درگیر شده و در پی مشت‌زنی با آنها، در اثر ضربه یکی از مأموران هیجان‌زده (!!) کشته می‌شود! اما اکنون در مانده بودند که به‌گویند با جنازه او چه کرده‌اند! اصلاً چرا باید سعودی‌ها - این دوستان خوب ترامپ - دروغ بگویند؟! خوب اتفاق است دیگر کاری نمی‌شود کرد!! اما پلیس ترکیه درخواست واریسی کنسولگری را داد. سرکنسول اما، بعد از آنکه یک تیم نظافت؛ آثار جرم را از بین برد، به پلیس ترکیه اجازه ورود به کنسولگری را داد. از آن به بعد رژیم خونخوار سعودی روز به روز رسواتر شد. به تدریج برملا شد که قبل از اینکه خاشقجی را به قتل برسانند، ابتدا وی را شکنجه کردند، سپس کالبدشکاف گروه با اره مخصوصش، نخست انگشتان و سپس دست و پا و در پایان سر او را از بدنش جدا کرد. معمای اینکه با قطعات بدن او چه کردند را بالاخره روزنامه واشنگتن پست در چهارم نوامبر حل کرد، این روزنامه نوشت:

«قطعات بدن او را در اسید حل کردند تا اثری از آثار خاشقجی باقی نماند. شکنجه، مُثله‌کردن و عاقبت در اسید محو کردن یک خبرنگار مخالف، گرچه خشم جهانیان را از ارتکاب این جنایت هولناک برانگیخت، اما جناب ترامپ، این «دوست صمیمی بن‌سلمان» خم به ابرو نیاورد. نه ترامپ و نه خاندان سعودی قادر به درک این مسأله نبودند که چرا جهانیان چنین برآشفته و معترض‌اند؟! حق هم با آنهاست! زیرا با توجه به مناسبات حاکم در آن کشور، قتل خاشقجی عمل خارق‌العاده و دور از انتظاری نبود. زمانی که انسان زندگی در ریاض را در سال ۲۰۱۸ مشاهده می‌کند و قرون وسطی به نظرش مدرن می‌آید، زمانی که زنان به خاطر پیدا بودن مُچ پا از زیر روپوش، روزانه در ملاء عام بدنشان آماج ضربات شلاق قرار می‌گیرند، زمانی که به خاطر ارتکاب جرم هر چند ناچیز؛ اعضای بدن مجرم را در ملاء عام قطع می‌کنند، زمانی که همجنس‌گرایان را از پشت‌بام پرت می‌کنند و اگر هنوز زنده مانده باشند، توسط متعصبین و هابی در زیر مشت و لگد جان می‌سپارند، زمانی که روزهای جمعه عُمال رژیم ارتجاعی و هابی در ملاء عام مجرمین را - حداقل ۱۰۰ مورد در سال - گردن می‌زنند، طبیعی است که قتل فجیع خاشقجی عادی جلوه می‌نماید.

از سوی دیگر عربستان سعودی بزرگترین حامی تروریست‌های اسلامی است. اینکه این کشور سالانه میلیاردها دلار به القاعده و داعش کمک مالی و تسلیحاتی می‌کند، بر کسی پوشیده نیست و سال‌هاست که برملا گشته است. هیچ سیاست‌مداری و کمتر از همه ترامپ، از این که میلیون‌ها انسان از چنگال تروریست‌های اسلامی وحشی و آدمکش گریخته و آواره جهان گشته‌اند، برآشفته نمی‌شود و به عربستان اعتراضی ندارد. چرا چنین است؟ چون عربستان ثروتمند است، خیلی ثروتمند است. تریلیون‌ها پترو دلار به عربستان سرازیر می‌شوند و سپس به سمت غرب بازمی‌گردانند. قصرهای عظیم، کشتی‌های خصوصی غول پیکر و لوکس، قراردادهای میلیاردها برای صنایع غربی و .. در نتیجه این کشورها، و در رأس آنها آمریکا در درجه اول درصدداند که در ایجاد این «روابط دوستانه و نزدیک» از قافله عقب نمانند، لذا برای سرمایه‌داران و سیاستمداران غربی بی‌تفاوت است که مردم چه رنج و مصیبتی را در نظام به شدت ارتجاعی و خون‌ریز سعودی متحمل می‌شوند. و یا خاورمیانه در آتش نیروهای تروریستی دست‌پرورده و مورد حمایت سعودی‌ها بسوزد و مردم اگر جان سالم به دربرند، زخمی و گرسنه آواره جهان گردند، برای سرمایه‌داری غرب این سود است که در رأس همه امور قرار دارد. طبیعی است که رئیس کنسرن زیمنس «جوکرز» JOE KAESER به این همه جنایات و وحشیگری، که خاندان سعودی در کشور خود و در خاورمیانه حاکم گردانیده است، چشم فروبندد و به منظور شرکت در «کنفرانس اقتصادی ریاض» به این ... ادامه در صفحه ۶

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

چرا ترامپ بن سلمان را...

کشور سفر کند، زیرا که سرنوشت یک قرارداد ۲۰ میلیاردی در کار است.

تنها دولت آلمان از ژانویه تا سپتامبر ۲۰۱۸ اجازه صدور قریب به ۴۱۶ میلیون دلار اسلحه به عربستان سعودی را صادر کرده است. از سال ۲۰۰۸ هزار شاهزاده عربستان سعودی مجوز مونتاژ مسلسل ژ ۳۶(G36) را گرفته‌اند. جای تعجب ندارد که این مسلسل‌ها در جنگ یمن مشاهده شوند. زمانی که به دولت آلمان اعتراض می‌شود که چرا صدور اسلحه به عربستان سعودی را قطع نمی‌کنید، زیرا که در جنگ علیه مردم یمن به کار گرفته می‌شوند، استدلال می‌کنند که: «برای ما امکان کنترل وجود ندارد که پس از فروش، کشور خریدار با اسلحه چه می‌کند!!» این امر تنها زمانی امکان‌پذیر است که کشور خریدار با چنین کنترلی موافقت کند!! طبق گزارش نیویورک تایمز سلاح‌هایی که آمریکا به عربستان فروخته است، و این کشور در یمن از آنها استفاده می‌کند، از «دقت عمل چندانی برخوردار نیستند و به همین دلیل باعث مرگ هزاران غیرنظامی گشته‌اند». از این گذشته تخریب امکانات تولید محصولات غذایی، تحریم و محاصره راه‌های کمک‌رسانی دارو و غذا به مردم یمن و ...، که منجر به بزرگترین فاجعه انسانی تاریخ معاصر گشته است، نیز سبب نمی‌شود که غرب در مقابل نظام آدمکش و به غایت ارتجاعی عربستان واکنش از خود نشان دهد. از سوی دیگر در اثر فشار عربستان سعودی، بانک مرکزی یمن، که از صنعا به عدن نقل مکان کرده بود، آنقدر اسکناس چاپ نمود که ارزش پول یمن آنچنان سقوط کرد که مردم با پس‌اندازهای ناچیزی که در اختیار دارند، از قدرت خرید مواد غذایی کمی که در کشور یافت می‌شود، تقریباً عاجز و محروم شده و در نتیجه به خیل گرسنگان پیوسته‌اند. سه سال است که روزانه هزاران کودک یمنی در اثر گرسنگی و بی‌دارویی مقابل چشمان پدران و مادران‌شان جان می‌سپارند. طبق آمار یونیسف در هر ۱۰ دقیقه یک کودک در یمن بر اثر بیماری جان خود را از دست می‌دهد. هزاران کودک به شدت دچار سوء تغذیه هستند. سازمان ملل هشدار داده است که تعداد یمنی‌هایی که زندگی‌شان را با جیره غذایی می‌گذرانند، حدود ۸ میلیون نفر است که به احتمال قوی به زودی به ۱۴ میلیون خواهد رسید. گرچه بمباران جنایت‌کارانه یمن که کشور و مردم آن را به نابودی می‌کشد، به اضافه جنگ اقتصادی که عربستان بر علیه این کشور به راه انداخته است، میلیون‌ها انسان را به نابودی می‌کشد و روزانه هزاران کودک جان می‌سپارند و ... جنایت محرز علیه بشریت محسوب می‌شود. «جامعه جهانی بشردوست» نه تنها عربستان را تحریم و محکوم نمی‌کند، بلکه حتی از مداخلات بشردوستانه و انسانی در یمن هم خبر و اثری نیست. «جهان بشردوست غرب و انسان‌های

خوب» به عوض یاری‌رساندن به مردم ستمدیده و گرسنه و در حال مرگ در یمن، در عمل به کمک عربستان سعودی آمده است. جالب این است که این غرب تبهار؛ همواره از ارزشهای اخلاقی جهان غرب که باید برای حفظ آن تلاش نمود و از آنها دفاع کرد سخن می‌راند. آنها دنیای غرب را دنیای ارزشهای مشترک جا می‌زنند. و اما چرا اصولاً این نسل‌کشی بربرمنشانه انجام می‌گیرد؟ شهوت بن‌سلمان در گرسنگی‌دادن به کودکان یمن، شکنجه زنان، مثله‌کردن منتقدان برای رسیدن به چه هدفی صورت می‌پذیرند؟ گرچه مقام‌های ارشد سعودی در محافل خصوصی می‌گویند، بن‌سلمان دستور قتل خاشقجی را صادر کرده است، اما در مقابل افکار عمومی سکوت می‌کنند، چون معتقدند که حفظ رابطه میان آمریکا و عربستان سعودی مهم‌تر از قتل یک انسان است! آنها می‌گویند آمریکا برای حفظ ثبات در منطقه باید در کنار عربستان سعودی بایستد. از یکسو عربستان می‌کوشد در اتحاد با اسرائیل و آمریکا ایران را مهار کند و از سوی دیگر روزنامه مصری الاهرام در ۲۵ اکتبر ۲۰۱۸ نوشت: «در پی تحقیقات گوناگون، نتایجی به دست آمده است که حاکی از وجود ذخائر نفتی در یمن می‌باشد. ذخایری که حجم آن معادل مجموعه ذخائر کشورهای عربستان سعودی کویت و امارات است». در واقع پاسخ به این سوال که چرا عربستان سعودی و متحدین‌اش امارات متحده عربی، کویت، بحرین، سودان، مصر، اردن، مراکش، سنگال به انضمام کمک همه جانبه اسرائیل، آمریکا، فرانسه، انگلستان، اسپانیا و آلمان این جنگ خونین و جنایت‌کارانه علیه یمن را به پیش می‌برند، باید در این خبر الاهرام جستجو کرد. جلوگیری از نفوذ ایران در یمن بهانه‌ای بیش نیست. آنها به منظور غارت شن صحرا به یمن تجاوز نکرده‌اند، بلکه منبع عظیم نفت است که دهان همه غارت‌گران را آب انداخته است.

می‌دانیم که عربستان سعودی به اندازه کافی نفت دارد. ولی دیر یا زود ذخائر آنها به پایان خواهد رسید. از اینرو عربستان سعودی به خاطر حفظ موقعیت برتر اقتصادی خود در منطقه مدتهاست که در فکر چاره است. از اینرو باید با تمسک به هر وسیله ممکن از تداوم وجود یک یمن مستقل که قادر باشد ذخائر نفتی احتمالی را تحت کنترل خویش داشته باشد، جلوگیری به عمل آورد. اگر حوثی‌ها در یمن از عربستان سعودی تبعیت نکنند، کنترل منابع نفتی و اقتصادی جهان به هم خواهد خورد و درست به همین دلیل است که نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت در یمن آنطور که باید در رسانه‌های عمومی در معرض گوش و چشم جهانیان قرار نمی‌گیرد، بلکه در بهترین حالت با طرح مسأله رابطه حوثی‌ها با ایران و افسانه جنگ شیعه و سنی؛ این جنایات را مشروع جلوه می‌دهند.

۷۵ سالگی شکستن محاصره ...

شد. مشکل آنها موسیقی‌دانانی بودند که با سازهای بادی کار می‌کردند. آنها به علت گرسنگی نای دمپین در آلات موسیقی را نداشتند ولی خود را برای مبارزه آماده کرده بودند. تغذیه آنها را بهتر کردند تا توان دمپین داشته باشند.

آنگاه بلشویکیها هجوم خویش را در عرصه هنری شروع کردند. ارتش آلمان وعده کرده بود در ۹ اوت ۱۹۴۱ در سالگرد محاصره این شهر آن را فتح کند. ولی لنین‌گرا ایتساده، زنده بود و می‌رزید و ارتش آلمان درجا می‌زد. در چنین روزی سمفونی شماره هفت رفیق

دیمنتری شوستاکوویچ Dmitri Šostakovič نواخته شد. شوستاکوویچ این سمفونی را برای مردم لنین‌گرا نوشته بود و به این جهت به نام "لنین‌گرادی‌ها" مشهور گشت. دقیقاً در سالگرد محاصره لنین‌گرا نوازی موسیقی شوستاکوویچ در فضای شهر در محاصره؛ طنین انداخت و پژواک آن تا حلقه محاصره دشمن رسید و روحیه نازی را در هم شکست. آنها فهمیدند که لنین‌گرا تسخیر ناپذیر است.

مردم شهر برای تهیه بلیط ارکستر در مقابل سالن بزرگ شهر به صف ایستادند و این صف طولی‌تر از همه صفوف نان و آذوقه تا به آن روز بود. در آن روز تاریخی ارکستر همراه با نور و برق که به شدت جیره‌بندی شده بود، آغاز به کار کرد. مردم با صدای موسیقی به اوج می‌رفتند و زمانیکه در مرحله نهایی و صعود به قله احساسات؛ شکست فاشیسم تصویر شد، جمعیت به پاخاست و به کف زدن مشغول شد. نوازی موسیقی "لنین‌گرادی‌ها" آن چنان قدرتمند بود که در جبهه جنگ؛ سربازان ارتش سرخ آنچنان با نیروی آتش سربازان نازی را هدف قرار دادند که هیچ یک از هواپیماهای نازی‌ها نتوانستند پرواز کرده به فضای شهر لنین‌گرا تجاوز کنند. سمفونی شماره هفت شوستاکوویچ با سمفونی آتش جبهه سربازان ارتش سرخ کامل شد. نازی‌ها فهمیدند که آرزوی پیروزی را باید با خود به گور ببرند.

مردم مقاوم لنین‌گرا بعد از جنگ به عنوان قهرمانان وارد تاریخ شوروی و بشریت مترقی در جهان شدند. در این روز در سراسر شوروی و به‌ویژه در لنین‌گرا رژه نظامی برگزار شده و مردم بر سر مزار شهدای محاصره؛ گل و شکلات می‌گذارند تا از قهرمانان خویش که جان دادند تا سوسیالیسم زنده بماند تجلیل کنند.

نازی‌ها در آلمان غربی بعد از جنگ؛ این بخش تاریخ بشریت را حذف کردند و حتی در مدارس از تدریس آن به دانش‌آموزان جلو گرفتند. سانسور عمیق؛ آلمان غربی را که با ممنوعیت فعالیت کمونیستی آغاز شده بود، در نوردید. ولی این کشور ساخته و پرداخته نازی‌ها؛ که آنها مجدداً در آن دست بالا را داشتند و دارند و سرنوشت آنها تعیین می‌کردند و می‌کنند، کشوری "دموکرات" و "آزاد" قلمداد شد. دولت کنونی آلمان برای خالی ادامه در صفحه ۷

تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و یمن را بی قید و شرط ترک کنند.

نقض حقوق بشر نیست؟ این نشریه وزین آلمان اشاره نمی‌کند که تسلیم لنین‌گرا به نازی‌ها به معنی قتل‌عام مردم روسیه بود که از جانب هیتلر نژاد پست محسوب می‌شدند. به نقل از مصاحبه‌های غیرقابل نظارت و پژوهش و در یک کلام ساختگی با مردم کنونی روسیه چنین آوردند که آیا بهتر نیست به جای تامین هزینه رژه نظامی برای تجلیل از لنین‌گرادی‌ها مخارج آنرا برای امور جاری و نیازهای دیگر در نظر گرفت؟

یک کارگردان مرتجع به نام آلکسی کراسوسکیه فیلمی تهیه کرده است که مبارزه مردم لنین‌گرا را به تمسخر گرفته و از برگزاری جشن سال نو میلادی توسط "خانواده‌های با نفوذ" که در ارتباط با "مقامات فاسد" حکومتی بودند، "پرده برمی‌دارد" و نشان می‌دهد لنین‌گرادی‌ها مقاوم نبودند و نسل جدید روسیه و مردم جهان باید از این خانواده‌های کثیف کشف شده توسط آقای آلکسی کراسوسکیه در فیلم‌اش الهام بگیرند. البته این فیلم در روسیه ممنوع است، ولی در شبکه مجازی توسط دشمنان سوسیالیسم توزیع می‌گردد.

تنوری ضرورت عدم مقاومت و مبارزه با نیروهای فاشیسم هیتلری به منظور "حفظ جان مردم" در اساس یک تنوری آشنای ارتجاعی است که انسانها را در اسارت می‌خکوب می‌سازد. در هیچ جای طبیعت و اجتماع سکون و یا تسلیم به شرایط نامساعد و حمله دشمن، راه گشای گذار به شرایط مساعد نبوده و نیست. این امر با ماهیت تکامل طبیعت و جامعه هماهنگی نداشته و عملا اسارت و تبعیت را تمدید می‌سازد.

به توفان در تلگرام خوش آمدید



دیگری برخورد امپریالیستی- رویزیونیستی که هدفش نفی مبارزه قهرمانانه مردم شوروی و به فراموشی سپردن آن است. دشمنان بشریت؛ امپریالیسم و رویزیونیسم تلاش دارند تا با کسانی که به روحیه مقاوم مردم لنین‌گرا تکیه کرده و قهرمانی و حماسه مبارزه لنین‌گرادی‌ها را زنده نگاه می‌دارند، مبارزه کنند. اکثریت مردم روسیه ولی از حماسه لنین‌گرا سرشارند و می‌خواهند جوانان روسیه و کمونیستهای جهان از آن برای



مبارزه بر ضد سرمایه‌داری الهام بگیرند. نیت شوم دشمنان؛ تخریب هویت و افتخارات جامعه سوسیالیستی شوروی و شخص رفیق استالین است.

در جبهه دوم که شدت از طرف جناح ارتجاعی در روسیه و در ممالک امپریالیستی غرب تبلیغ می‌شود، یکی این است که گویا موجبات کشتار بیش از یک میلیون نفر در لنین‌گرا را باید در اشتباهات دفاعی شهر جستجو کرد. آنها مدعی می‌شوند که مبارزه مردم آنچنان هم که تبلیغ می‌شود، قهرمانانه نبوده است. زیرا دزدی و قتل رواج یافته و حمله به مخازن مواد غذایی توسط گروههایی که تیرباران شده‌اند انجام می‌شده است. آنها برای تحقیر مردم شوروی صفحات زیادی را سیاه می‌کنند که چگونه آنها در اثر گرسنگی، حیوانات خانگی و وحشی را می‌خوردند و... و سازمان امنیت شوروی نامه‌های مردم را کنترل می‌کرده است. در دوران محاصره لنین‌گرا در همه جا "خفقان استالینی" حاکم بوده است. یک خبرنگار بی‌شرم آلمانی در یکی از نشریات مشهور آلمان حتی چنین مضمونی را تبلیغ کرد که آیا بهتر نبود استالین تسلیم می‌شد و مانع کشتار تا بیش از یک میلیون نفر از مردم شوروی می‌شد؟ آیا این رفتار وی

۷۵ سالگی شکستن محاصره ...

نبودن عریضه اعلام کرده است که قصد دارد به باقیماندگان محاصره لنین‌گرا ۱۲ میلیون یورو کمک برساند. این مبلغ توهین جدیدی به مردم لنین‌گرا است. با این مبلغ تنها می‌شود یک ساختمان چند طبقه ساخت و بس. شهری را با یک میلیون نفر نابود کردند و حالا می‌خواهند در ازای آن به عنوان تاوان؛ یک ساختمان چند طبقه بسازند. حاکمیت ضدکمونیست روسیه که همان رویزیونیستهای سابق بر مسند کارند، این ننگ را می‌پذیرند و معترض نمی‌شوند. از این گذشته ۷۵ سال بعد از آزادی لنین‌گرا کسی دیگر از آنها باقی نمانده است که از این کمکها برخوردار شود. این سیاست دولت آلمان مکمل همان سیاستی است که محاصره کنندگان جانی و تبهکار لنین‌گرا را تا روز مرگشان در آلمان مورد حمایت قرار داد، و آنها را از انواع حقوق بازنشستگی، درمانی و حقوق شهروندی

و ... برخوردار گردانید. نازی زدانی در آلمان غربی مفهوم ناشناخته بود و باقی ماند. رویزیونیستها و امپریالیستها نام بزرگ "لنین-گرا" را به "سن پترزبورگ" تغییر دادند و سن پترزبورگ کنونی باید خاطره انقلاب کبیر اکتبر و محاصره لنین‌گرا را از اذهان مردم روسیه و تاریخ بشریت بزدايد. پوتین در ۷۵ سالگی آزادی لنین‌گرا وقت نداشت در سان دیدن از این رژه سنتی ارتش در روز آزادی لنین‌گرا شرکت کند. "تجلیل" از این روز بزرگ با ناخرسندی صورت گرفت. هر چه باشد امپریالیسم روس و رویزیونیسم شوروی هر دو دشمنان سوسیالیسم بودند و هستند. بزودی سالگردهای رسمی مبارزه مردم لنین‌گرا فقط در قلبها زنده است و شعله می‌کشد. می‌شود از برگزاری با شکوه این خاطره تاریخی طفره رفت و از تجلیل از این قهرمانان سرباز زد، ولی نه نام لنین‌گرا زدودنی است و نه نام استالین‌گرا. این دو نام در حافظه تاریخ ثبت هستند.

در برخورد به مسئله مقاومت قهرمانانه مردم لنین‌گرا دو نوع برخورد وجود دارد. یکی برخورد کمونیستی همانگونه که از زمان رفیق استالین در شوروی معمول بود و تا بروز رویزیونیسم در این کشور به آن عمل می‌شد و

مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۵۲ اسفند ماه ۱۳۹۷ را در تارنمای توفان مطالعه نمایند

توفان الکترونیکی در آغاز هر ماه میلادی منتشر می‌شود

www.toufan.org

نشریات حزب کار ایران (توفان)

toufan@toufan.org

<http://toufan.org/ketabkane.htm>
http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm
<https://twitter.com/toufanhezbkar>
<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>
<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

سایت کتابخانه اینترنتی توفان
 سایت آرشیو نشریات توفان
 توفان در توییتر
 توفان در فیسبوک
 توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

مبارزه با فساد و رشوه‌خواری تنها به دست یک حکومت مردمی عملی است

۷۵ سالگی شکستن محاصره لنین‌گراد در اثر مقاومت و مبارزه مردم شوروی

۷۵ سال پیش محاصره شهر لنین‌گراد توسط ارتش نازی‌ها و متحدانشان از طریق فنلاند که از ۸ سپتامبر ۱۹۴۱ شروع شده بود، بعد از حدود بیش از دو سال با شکست روبرو شد. در تاریخ ۲۷ ژانویه ۱۹۴۴ شهر قهرمان لنین‌گراد آزاد گردید و حلقه محاصره ارتش نازی را در هم شکست. هدف ارتش نازی تنها تسخیر شهر نبود. آنها با محاصره لنین‌گراد که توانایی فتح آن را به علت مقاومت مردم نداشتند به گرسنگی دادن ۲/۵ میلیون مردم لنین‌گراد آغاز کردند. ارتش نازی همه راههای منتهی به شهر را مسدود کرده و بمباران می‌نمود. لنین‌گراد ۸۷۲ روز در محاصره فاشیستها بود. در این شهر حدود یک میلیون نفر و اکثراً در اثر گرسنگی جان دادند. ناگفته روشن است که اکثر آنان مردم غیرنظامی، کودکان، و بیماران و افراد مسن و مادران بودند. کشتار مردم غیرنظامی را نمی‌شود درگیری ارتشها قلمداد کرد. این عملیات تنها با نیت آدمکشی صورت می‌گرفت. تا بلشویکها و انسان شوروی را از بین ببرند. به این جهت تنها همین یک نمونه حاکی از جنایت ضد بشری و کشتار جمعی ضد انسانی نازی‌هاست. هرمان گورینگ Herrman Göring مرد شماره ۲ آلمان نازی در گفتگو با وزیر امور خارجه ایتالیا گالئاتسو چینو Galeazzo Gino در نوامبر ۱۹۴۱ اظهار داشت: "امسال ۲۰ تا ۳۰ میلیون مردم روسیه گرسنگی خواهند کشید. و شاید خوب باشد، زیرا برخی خلقها باید نابود شوند".

شرایط زندگی در لنین‌گراد بسیار سخت بود. لوله‌های آب یخ‌زده و ترکیده بودند. غذا به حد کافی در شهر موجود نبود. مواد سوخت نایاب شده و پیدا نمی‌شد. مردم چوب و مبلمان خانه‌های خویش را برای اینکه منجمد نشوند می‌سوزاندند. آذوقه‌ای را که ارتش سرخ از راه دریاچه یخ زده در وخیترین اوضاع نظامی به مردم می‌رساند تنها یک سوم احتیاجات را تامین می‌کرد. آذوقه مردم باید برای پنجمین بار تقلیل داده می‌شد. کارگران حق داشتند ۲۵۰ گرم نان در روز داشته باشند و سایر ساکنان لنین‌گراد ۱۲۵ گرم تا سنگرها خالی نشود و تولید و مقاومت استمرار داشته باشد. کارخانه تسلیحاتی "کیروف" تا روز آخر تسلیحات تولید می‌کرد و از جمله تانکهای ت-۳۴ (T34) که برخی از آنها تا برلین نیز رسیدند. کارگران از هیچ فداکاری کوتاهی نمی‌کردند و تا روز آخر تولید کردند. بمبافکنهای آلمان نازی کارخانه را بمباران می‌کردند و آتش-سوزی راه می‌انداختند و کارگران را به قتل می‌رساندند ولی آنها مانع از کار افتادن چرخ تولید می‌شدند. کارگران که در مواقع حملات هوایی ناچار می‌شدند به پناهگاههای ضد بمب بروند، با درک این مسئله که این امر ساعتها در تولید کارخانه تاخیرات جبران ناپذیر ایجاد می‌کند، تصمیم گرفتند که در زمان بمباران نیز کار کنند. نقشه هیتلر که مدارس؛ کارخانه‌ها؛ بیمارستانها و صنایع زیربنایی و هستی مردم شوروی را از بین ببرد، با شکست روبرو گردید. سوسیالیسم بر سرمایه‌داری هار پیروز شده بود. در زمستان ۱۹۴۲ حزب بلشویک تصمیم گرفت برای تشویق روحیه مقاومت و مبارزه ارکستر سمفونیک ایجاد کند که برنامه آن از رادیو و بلندگوهای نصب شده در شهر و جبهه پخش شود. رهبر ارکستر ویلونیس "الیاسبرگ" Eliasberg بود که در اثر خستگی مفرط پس از چندی از پای درآمد.

در ۹ آوریل ارکستر جدیدی از موسیقی‌دانان شهر ایجاد ...

ادامه در صفحه ۶

Workers of all countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the Party
of Labour of Iran

No. 228 marc. 2019

چرا ترامپ بن‌سلمان را دوست دارد

واشنگتن‌پست در گزارشی اظهارات دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا را جمع‌آوری کرده و آنها را در قالب یک ویدیوکلیپ انتشار داده است.

در این ویدیو، از جمله اظهارات ترامپ در رابطه با معاملات تجاری با عربستان سعودی، که سابقه آن به پیش از رسیدن به مقام ریاست جمهوری او باز می‌گردد، به نمایش گذارده شده‌اند. جمله آغازین ترامپ در پاسخ به خبرنگاران چنین است:

«ضمناً با صراحت و رُک می‌گویم که بدانید، من ابداً با عربستان سعودی تجارتی ندارم». و متعاقب آن به نقل‌قول‌های دیگری از او اشاره می‌شود که در موارد مختلف بیان داشته است: «من فکر نمی‌کنم... کسی به اندازه من با سعودی‌ها... معامله کند». «گران‌ترین آپارتمان‌هایی را که فکر می‌کنم در جهان می‌سازند، می‌خرم». «سعودی‌ها سرگرم کننده‌اند، من دوستان زیادی در آنجا دارم». «من هیچ چیز علیه عربستان سعودی نمی‌گویم، حجم... ادامه در صفحه ۵»

www.toufan.org تارنمای توفان در شبکه مجازی

toufan@toufan.org نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کار ایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573372600
Germany
IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

Toufan آدرس مکاتبات
Postfach 11 38
64526 Mörfelden-Walldorf
Germany

حکومت‌های دینی هرگز حقوق انسان‌ها را به رسمیت نمی‌شناسند